

پیامد سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه

جمهوری اسلامی ایران

بر مشارکت سیاسی، تحرّیب و ثبات سیاسی

سید محمدتقی آل غفور

ویراستار: سید جواد میرخلیلی

حروف‌نگار: رعنا علیزاده



فهرست مطالب

سخنی با خواننده	۱۱
مقدمه	۱۵
فرضیه پژوهش	۲۴
پیشینه تحقیق	۲۴
الف: جریان اتریشی اقتصاد بازار	۲۵
ب: جریان اقتصادی توسعه نهادگرا	۲۷
ج: جریان نظام اقتصاد اسلامی	۳۲
د: جریان رادیکال	۳۴
ضرورت تحقیق	۳۸
چارچوب نظری	۴۰
پیش فرض ها	۴۱
هدف و نقطه تمرکز	۴۱
روش و نوع تحقیق	۴۲

فصل اول: کلیات و چارچوب نظری

۱- نسبت توسعه اقتصادی و سیاسی	۴۴
الف - رویکرد اقتصادگرا: توسعه اقتصادی پیش نیاز توسعه سیاسی	۴۵
ب - رویکرد سیاستگرا: توسعه سیاسی پیش نیاز توسعه اقتصادی	۴۷

۱۰۲	 (۱) هستی‌شناسی
۱۰۴	 (۲) پی‌آمد هستی‌شناسی
۱۰۵	 د - مسئله ساختار - عامل از دیدگاه متفکران مسلمان
۱۱۸	 مفاهیم
۱۱۸	 مشارکت سیاسی
۱۱۹	 ثبات سیاسی
۱۲۰	 جمع‌بندی (دست‌آوردهای نظری)

فصل دوم: برنامه‌های توسعه و مشارکت سیاسی

۱۲۳	 مقدمه
۱۲۴	 ۱- عوامل مشارکت سیاسی
۱۲۵	 الف - پایگاه اجتماعی
۱۲۵	 درآمد
۱۲۵	 تحصیلات
۱۲۶	 شغل
۱۲۶	 محل اقامت
۱۲۶	 عضویت سازمانی
۱۲۷	 هویت اجتماعی
۱۲۷	 سن
۱۲۷	 جنسیت
۱۲۸	 مذهب
۱۲۸	 ب - محرک‌های محیطی
۱۲۹	 سطح نوسازی
۱۲۹	 طبقه اجتماعی

۵۱	 ج - رویکرد نهادگرا: توسعه متوازن
۵۶	 ۲- نسبت توسعه با ثبات و بی‌ثباتی سیاسی
۵۸	 الف) توسعه اقتصادی و فرایند گسترش خشونت
۶۲	 ب) توسعه اقتصادی و گسترش فساد
۶۵	 ج) چیستی ثبات سیاسی
۶۸	 د) چیستی بی‌ثباتی سیاسی
۶۸	 (۱) بی‌ثباتی سیاسی به معنای خشونت و آشوب جمعی سیاسی
۶۹	 (۲) بی‌ثباتی سیاسی به معنای کودتا، تغییر رژیم و یا تغییرات مکرر حکومت
۷۲	 هـ) گونه‌شناسی ثبات و بی‌ثباتی سیاسی
۷۳	 و) مراحل بی‌ثباتی سیاسی
۷۵	 ز) مشارکت سیاسی، ثبات و بی‌ثباتی سیاسی
۷۵	 (۱) مفهوم مشارکت سیاسی
۷۹	 (۲) شیوه‌های مشارکت سیاسی
۷۹	 الف) مشارکت سیاسی مسالمت‌آمیز
۸۰	 ب) مشارکت سیاسی غیر مسالمت‌آمیز
۸۲	 ۳) توسعه و نهادمندی سیاسی (تحزب)
۸۲	 الف) مفهوم نهاد
۸۵	 ب) احزاب سیاسی
۸۹	 ج) ظهور احزاب سیاسی
۸۹	 زمینه‌ها
۹۳	 ۴- نسبت توسعه و ساختار - عامل
۹۶	 الف - ساختارگرایی
۹۸	 ب - عاملیت یا اراده‌گرایی
۹۸	 ج - تعامل ساختار - عامل

ب: تغییرات سنی.....	۱۷۱
ج: محل اقامت و هویت اجتماعی.....	۱۷۲
د: مذهب.....	۱۷۳
ب: عوامل محیطی.....	۱۷۴
۱- طبقه اجتماعی.....	۱۷۵
۲- عضویت و زندگی سازمانی.....	۱۷۵
ج: ضرورت تحول برنامه‌های توسعه جهت افزایش مشارکت سیاسی کارگزار.....	۱۷۷
جمع‌بندی.....	۱۷۹

فصل سوم: برنامه‌های توسعه و نهادمندی سیاسی (تحرّز ب)

مقدمه.....	۱۸۵
۱- تحرّز ب و نهادمندی سیاسی.....	۱۸۶
۲- پیچیده شدن توسعه کشور و ضرورت نهادمندی سیاسی.....	۱۹۱
الف - توسعه صنعتی ایران و ضرورت نهادمندی سیاسی.....	۱۹۲
ب - توسعه وسایل ارتباط جمعی و ضرورت نهادمندی سیاسی.....	۱۹۷
(۱) روزنامه‌های یومیه و غیر یومیه.....	۱۹۸
(۲) گیرنده‌های رادیو و تلویزیون.....	۲۰۲
۳- رابطه ساختار - عامل و نهادمندی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران.....	۲۰۵
الف - نقش ساختارها در نهادمندی سیاسی.....	۲۰۷
ب - نقش کارگزاران در نهادمندی سیاسی.....	۲۱۰
۴- ضرورت‌های ساختاری و کارگزاری نهادمندی سیاسی.....	۲۱۲
جمع‌بندی.....	۲۱۹

۲- برنامه‌های توسعه اقتصادی و عوامل مشارکت سیاسی کارگزار.....	۱۲۹
الف - پایگاه اجتماعی و مشارکت سیاسی کارگزار.....	۱۳۰
درآمد.....	۱۳۰
تحصیلات.....	۱۳۰
سن.....	۱۳۴
محل اقامت.....	۱۳۵
شغل.....	۱۳۶
هویت اجتماعی.....	۱۳۸
جنسیت.....	۱۴۱
مذهب.....	۱۴۴
عضویت سازمانی.....	۱۴۵
ب - عوامل محیطی و مشارکت سیاسی کارگزار.....	۱۴۷
طبقه اجتماعی.....	۱۴۸
زندگی سازمانی.....	۱۵۴
تفاوت‌های منطقه‌ای.....	۱۵۵
۳- تعامل ساختار عامل و مشارکت سیاسی کارگزار.....	۱۶۳
الف - ویژگی‌های کارگزار و مشارکت سیاسی.....	۱۶۵
(۱) اراده و اختیار کارگزار.....	۱۶۵
(۲) آگاهی و بینش کارگزار.....	۱۶۷
(۳) احساسات و باورهای کارگزار.....	۱۶۸
ب - برنامه‌های توسعه و افزایش انتظارات کارگزار.....	۱۷۰
(۱) پایگاه اجتماعی و افزایش انتظارات کارگزار.....	۱۷۰
الف: تحصیلات.....	۱۷۱

فصل چهارم: برنامه‌های توسعه: ثبات و بی‌ثباتی سیاسی

مقدمه	۲۲۱
۱- توسعه و بی‌ثباتی سیاسی	۲۲۲
۲- شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی	۲۳۰
۳- توسعه، ثبات و بی‌ثباتی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران	۲۳۶
الف - سابقه تاریخی بی‌ثباتی در ایران	۲۳۶
ب - بی‌ثباتی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران	۲۳۸
۱- نسبت هزینه دهک بالا به پایین	۲۴۷
۲. نسبت هزینه ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پائین	۲۴۹
۳. ضریب جینی	۲۵۱
خاتمه: نتیجه‌گیری	۲۵۷
منابع و مأخذ	۲۶۷
کتاب‌های فارسی	۲۶۷
نشریات فارسی	۲۷۵
منابع لاتین	۲۷۷
نمایه	۲۷۹
اعلام	۲۷۹
اصطلاحات	۲۸۲
مکان‌ها	۲۸۶
کتاب‌ها	۲۸۷

سخنی با خواننده

پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی نویدبخش حضور فعال دین در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی بود. این ایده، در سطح ملی ترسیم‌کننده هویت دینی - ملی و حیات سیاسی - اجتماعی ایرانیان، و در سطح فراملی تبیین‌کننده ضرورت بازسازی تمدن اسلامی و اعاده هویت و عزت به مسلمانان در دوران معاصر بود. ترسیم هویت دینی - ملی و تلاش برای بازسازی تمدن اسلامی، پرسش‌ها و معضلاتی جدید را در دو سطح مذکور به وجود آورد که تاکنون منابع دینی و دین‌داران در عرصه علوم و مراکز علمی با آن به طور جدی مواجه نشده بودند. پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها و معضلات، نیازمند بازنگری در مبانی و بینش حاکم بر علوم رایج انسانی و اجتماعی در کنار بازگشتی روشمند و نقادانه به سنت فکری است. این بازنگری ضمن فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری از توانمندی‌های سنت و دانش سنتی، امکان استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علوم جدید در دوران معاصر را به ارمغان می‌آورد؛ بنابراین وظایف مراکز علمی و پژوهشی در جمهوری اسلامی، بسی سنگین است. این مراکز از سویی، رسالت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و معضلات فکری را بر عهده دارند و از سوی دیگر، به فرهنگ‌سازی و تولید فکر و اندیشه به عنوان عناصر و لوازم اصلی احیای تمدن اسلامی باید اولویت دهند.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی با تلاش در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و معضلات فکری مربوط به حوزه پژوهشی خود و فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای باز تولید فرهنگ سیاسی - دینی و ارائه دانش ساسی مبتنی بر منابع اسلامی، هویت‌شناسی و هویت‌سازی در زمینه‌های فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و علوم سیاسی را به عنوان مهم‌ترین اهداف خود دنبال می‌کند. این پژوهشکده با فراهم کردن زمینه‌های رشد نیروی انسانی در عرصه پژوهش‌های سیاسی با رویکردهای فلسفی، فقهی و علمی، تلاش می‌کند در جهت عزم و اراده ملی برای احیای تمدن اسلامی گام بردارد.

اثر حاضر محصول تلاش فکری استاد فرهیخته و ارجمند جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر سید محمد تقی آل غفور است که با هدف دستیابی به شیوه‌های تأثیرگذاری برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه ج.ا.ا. بر مشارکت سیاسی، تحرّج و ثبات سیاسی و ارائه راهکارهایی جهت تقویت نقاط قوت و ممانعت از پیامدهای سیاسی منفی در برنامه‌های توسعه و سیاست‌های آینده است.

اجرای این پژوهش مدیون تلاش‌های ارزنده مدیر محترم گروه علوم سیاسی آقای دکتر عبدالوهاب فراتی و ارزیابان محترم آقایان دکتر سید احمد موثقی، دکتر محمد ستوده، دکتر محمود شفیعی و مدیر محترم امور پژوهشی آقای رجبعلی اسفندیار، کارشناس محترم گروه آقای سید جواد میر خلیلی و متصدیان اجرایی پژوهشکده می‌باشد که از زحمات و تلاش‌های آنان قدردانی به عمل می‌آید. همچنین از ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حسین توسلی تشکر می‌کنم که بدون حمایت‌ها و مساعدت‌های بی‌دریغ و مؤثر ایشان پژوهش حاضر به سرانجام نمی‌رسید.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در راستای ترویج و گسترش علم و دانش، آثار خود را در اختیار جامعه علمی قرار داده، پیشاپیش از انتقادهای پیشنهادی علمی همه استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌ها موجبات رشد و پویایی فرهنگ سیاسی - دینی و زمینه‌های گسترش اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

دکتر نجف لکزایی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

مقدمه

فرایند توسعه، فرایندی جامع و همه‌جانبه است. جایگاه علمی این مفهوم را باید در جامعه‌شناسی و در مبحث تغییر اجتماعی جست‌وجو کرد. تغییر اجتماعی مفهومی عام است و تمام تحولات عمده در تاریخ جوامع بشری را شامل می‌شود. اما آنچه به توسعه موسوم است، شامل آن دسته تغییرات اجتماعی برنامه‌ریزی شده‌ای است که در طی سده‌های اخیر در بینش، گرایش و سازمان‌دهی جوامع رخ داده است. دگرگونی‌هایی که در اثر برنامه‌های توسعه در یک جامعه رخ می‌دهد، به تمامی عرصه‌های اجتماع گسترش می‌یابد. در ابتدا این گونه تلقی می‌شد که برنامه‌های توسعه، که برای تحول و رشد اقتصادی هستند، تمامی سطوح اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نهادهای سیاسی، طبقات اجتماعی، فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی در اثر تحولات اقتصادی دگرگون می‌شوند. ولی درمتون علمی فعلی، توسعه را امری چند بعدی می‌دانند؛ به طوری که می‌باید علاوه بر عرصه اقتصادی، تمامی زمینه‌های دیگر جامعه و ارکان آن را در برگیرد. از این رو وقتی به کشورهای پیشرفته جهان نگریم می‌شود، ملاحظه می‌گردد که یک کشور پیشرفته هم دارای نظام بهداشتی پیشرفته است، هم کشاورزی مدرن دارد، هم نظامی مردم‌سالار دارد. بنابراین، توسعه حیطه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با شاخص‌های خاص هر حیطه و ارتباط فشرده این حوزه‌ها را در بر می‌گیرد.

جنگ، حجم و ارزش واردات، به‌ویژه کالاهای مصرفی را افزایش داد. طولانی شدن جنگ، تداوم و تخریب فعالیت‌های تولیدی و زیربنایی و از همه مهم‌تر کاهش درآمدهای نفتی، اثرات منفی زیادی بر اقتصاد عمومی، سطح زندگی مردم و اوضاع مالی دولت باقی گذاشت. پایان جنگ افزون بر اینکه حکومت را با مسائل بازسازی اقتصادی کشور، به‌ویژه بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ روبه‌رو می‌کرد، به معنای از میان رفتن یکی از مهم‌ترین عوامل در تثبیت مسائل اجتماعی و سیاسی در سطح جامعه بوده و یکی از محمل‌های وحدت و انسجام میان جناح‌های موجود در نظام سیاسی ایران محسوب می‌شد.

با پایان جنگ و تصدی پست ریاست جمهوری توسط هاشمی رفسنجانی دولت برنامه‌ای را در پیش گرفت که به معنای وداع تدریجی با اقتصاد دوره ده‌ساله اول بعد از انقلاب بود. هاشمی رفسنجانی برنامه بازسازی و تعدیل اقتصادی را در رأس برنامه‌های خود قرار داد. برنامه اول توسعه اقتصادی اقدامی مؤثر در جهت تحول ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شد. به این ترتیب توسعه و نوسازی اقتصادی در ایران را می‌توان بازتاب نیاز جامعه در آفرینش سازمان‌های کارآمدتر، الگوهای انطباق‌پذیرتر و سیاست‌های پیچیده دانست. به‌طور کلی نخبگان سیاسی ایران از طریق برنامه توسعه تلاش داشتند تا شرایطی را فراهم آورند که به موجب آن، تداوم سیاسی و ساختاری در ایران تحقق یابد. به این ترتیب برنامه توسعه اقتصادی می‌بایست گسست‌های موجود در جامعه ایران را کاهش می‌داد و از سوی دیگر انسجام عمومی برای نیل به یک زندگی مطلوب‌تر را فراهم می‌آورد. این امر بیان‌گر شرایطی است که به موجب آن رابطه تعاملی بین فرهنگ، جامعه، اقتصاد، و نهادهای سیاسی ایجاد می‌شود. به طبع برنامه‌های توسعه می‌تواند مطلوبیت‌هایی را ایجاد کند که منجر به نهادمندی‌سازی اعتماد

توسعه اقتصادی پی‌آمدهای مخاطره‌آمیزی دارد. از این‌رو بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که توسعه اقتصادی، شمشیر دو لبه‌ای است که از یک سو منجر به رشد اقتصادی گردیده و از طرف دیگر زمینه تضادهای اجتماعی را به وجود می‌آورد.^۱ فرآیندهای نوسازی در ایران از اواخر سده نوزدهم آغاز شد. این امر تحت تأثیر نیازهای داخلی، ضرورت‌های منطقه‌ای و روندهای بین‌المللی قرار داشت. در ایران در هر دوران تاریخی شکل خاصی از توسعه اقتصادی ایجاد شده است. از این رو توسعه اقتصادی و نوسازی در ایران نمی‌توانست تحت تأثیر مؤلفه‌های درون‌ساختاری قرار گیرد. شکل‌بندی‌های اقتصاد بین‌المللی و همچنین تحولاتی که منجر به ظهور سرمایه‌داری جهانی گردید، در گسترش نوسازی و توسعه اقتصادی ایران نقش مؤثری داشته است.

پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی صرف‌نظر از دو - سه سال اول انقلاب طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ دولت نوعی سیاست اقتصادی توزیعی را در پیش گرفت. همه منابع و توجهات به سوی مقابله با تهدیدات ناشی از جنگ تحمیلی بود؛ از این‌رو امکان‌چندانی برای اجرای برنامه‌های رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری مولد باقی نمی‌گذاشت. همچنین بسیج مردمی برای جنگ مستلزم تأمین حداقلی از نیازهای مصرفی مردم بود. تداوم درآمدهای نفتی و حتی افزایش قابل ملاحظه این درآمدها به‌ویژه طی سال‌های اولیه جنگ، اجرای چنین سیاستی را ممکن می‌ساخت. افزایش جمعیت و تداوم

۱. ر.ک: آلون سو، تغییر اجتماعی: مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی، ترجمه محمود مظاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ ساموئل هانتینگتون، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم، ۱۳۷۰؛ غلامعباس مصلی نژاد، آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴.

سیاسی با تغییر و دگرگونی رو به‌رو شود، زمینه برای تحقق اهداف استراتژیک و همچنین تأمین ضرورت‌های توسعه، فراهم می‌شود. واقعیت فرهنگی اجتماعی ایران نیز به گونه‌ای بود که توسعه اقتصادی را بدون تغییرات محیطی و فرهنگی مورد پذیرش قرار نمی‌داد. در چنین شرایطی اجرای برنامه‌های توسعه، برخی از نیازهای اقتصادی را برطرف نمود، اما در نهایت زمینه ظهور برخی از چالش‌های ساختاری را نیز به‌وجود آورد. عامل اصلی چنین چالش‌هایی را می‌توان فقدان اعتماد عمومی دانست. این امر یکی از عوامل اساسی ظهور بحران و بی‌ثباتی ساختاری در روند اجرایی‌سازی برنامه‌های توسعه است. به این ترتیب چالش‌های توسعه در ایران سطح فراگیری از محدودیت‌ها را به‌وجود آورد. هانتینگتون در بیان تأثیر بی‌اعتمادی اجتماعی در بی‌ثباتی ساختاری کشورهای جهان سوم و به ویژه واحدهایی همانند ایران می‌گوید: نبود اعتماد در جامعه، موانع زیادی بر سر راه ایجاد نهادهای همگانی فراهم می‌آورد. جوامعی که در ایجاد یک حکومت پایدار و مؤثر ناکارآمدند، در ایجاد اعتماد متقابل میان شهروندان، بر انگیزختن وفاداری‌های ملی و هماهنگی و سازمان دادن مهارت‌ها و استعداد‌های افراد جامعه‌شان نیز کارایی ندارند. بی‌اعتمادی در فرهنگ سیاسی منجر به تأخیر در اجرای برنامه‌های توسعه می‌شود. هر فرد و گروهی تلاش می‌کند تا مطلوبیت‌های خاص خود را تأمین کند. به این ترتیب جامعه از وضعیت همبستگی و یگانگی خارج می‌شود. نیروهای اجتماعی، که سیاست توسعه اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهند، آن را بر اساس مطلوبیت‌های مورد نظر برای خود ارزیابی نموده و به این ترتیب درجه یکنواختی در رفتار سیاسی و اجتماعی آنان کاهش می‌یابد. در نتیجه چنین فرآیندی حتی زمینه افول دموکراسی هم فراهم شده و در نهایت، نظام

عمومی جامعه نسبت به حکومت گردد. بنابراین، اقتدار همگانی در شرایطی ایجاد می‌گردد که اعتماد عمومی در درون تمامی نهادهای اجتماعی و ارکان حکومتی نهادینه شود. فقدان اعتماد منجر به کاهش وفاداری‌های ملی گردید و در نهایت زمینه را برای ایجاد روندهای گریز از مرکز، نادیده گرفتن قانون، فردگرایی، بی‌هنجاری و فساد اقتصادی فراهم آورد.

اکثر کشورهای جهان سوم درگیر بی‌اعتمادی‌های عمومی جامعه نسبت به ساختار حکومتی خود می‌باشند. این امر منجر به عدم توفیق برنامه‌های توسعه اقتصادی می‌شود، زیرا توسعه در شرایطی شکل می‌گیرد که نیروهای اجتماعی در فضای مبتنی بر انسجام قرار گیرند. دانیل لرنر اعتقاد دارد نوسازی از طریق همدلی و هماهنگی جامعه با برنامه‌های تنظیم شده و قواعد حاکم بر آن تحقق می‌یابد. این امر را می‌توان به منزله نمادی از ضرورت‌های درون‌ساختاری در تحقق برنامه‌های اقتصادی و فرآیندهایی دانست که منجر به نوسازی جامعه می‌شود. بنابراین بی‌ثباتی ساختاری، بازتاب فقدان همدلی، هماهنگی و انسجام در درون یک جامعه است. به هر میزان که شرایط عمومی جامعه از شرایط مبتنی بر همبستگی و انسجام خارج شود، میزان ظهور ناهنجاری‌های اجتماعی افزایش یافته و از سوی دیگر، زمینه لازم برای اعتراضات عمومی، ناپایداری روابط اجتماعی و ظهور فرآیندهای دولت‌ستیز به‌وجود می‌آید.

برنامه‌های توسعه اقتصادی در ایران مبتنی بر گفتمان رشدمحور بود. این امر بر مبنای سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین حداکثرسازی ظرفیت تولیدی انجام می‌گرفت. در چنین شرایطی همکاری گروه‌های مختلف می‌توانست زمینه اجرایی‌سازی برنامه را فراهم آورد. اما تحقق این امر با ویژگی‌های فرهنگ سیاسی جوامع، هماهنگی و همبستگی دارد. به هر میزان فرهنگ

اجتماعی با واکنش‌های رادیکال و توده‌ای روبه‌رو می‌شود.

برنامه توسعه اقتصادی زمینه را برای گسست نهادهای سنتی فراهم می‌سازد. این امر منجر به از هم گسیختگی تعلق عمومی جامعه و همچنین ایجاد نوعی ناهنجاری در جامعه می‌گردد. در ایران، نوسازی و برنامه اقتصادی منجر به گسترش جنبش‌های مذهبی بنیادگرا نشد، بلکه زمینه را برای گسست نیروهای اجتماعی فراهم آورد؛ نیروهایی که انسجام اولیه خود را از دست داده و وارد مرحله جدیدی شده‌اند که مبتنی بر تعارض ساختاری، رویارویی اجتماعی و بی‌ثباتی است.

نظریه‌پردازان نهادگرا و همچنین آن گروه از ثنوریسین‌های توسعه اقتصادی، که بر توسعه متوازن تأکید دارند، تلاش قابل توجهی را برای به حداقل رساندن مخاطرات توسعه انجام داده‌اند. آنان بر این باورند که توسعه غیر متوازن و همچنین الگوهایی که مبتنی بر ضرورت‌های بین‌المللی می‌باشد، مشکلات و مخاطرات کشورهای جهان سوم را در روند توسعه افزایش می‌دهد. در این ارتباط کشورهایی که برنامه‌های توسعه اقتصادی را در دستور کار خود قرار داده‌اند، عموماً با ناپایداری و بی‌ثباتی سیاسی روبه‌رو شده‌اند. این امر در بسیاری از کشورها شکل گرفته و زمینه بی‌ثباتی سیاسی و ساختاری را به وجود آورده است.

روند یاد شده، تأثیرات سیاسی قابل توجهی را در ایران برجای گذاشت. در موج اول اجرایی‌سازی برنامه توسعه اقتصادی در ایران شاهد ظهور قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ هستیم. بعد از آن که شکل‌گیری اعتراضات اجتماعی و جنبش‌های مسلحانه فراهم گردید، نیروهای اجتماعی ایران در شرایط جدید با مقوله افزایش انتظارات روبه‌رو شدند. به‌طور کلی برنامه اقتصادی رشد‌محور منجر به افزایش شکاف اقتصادی می‌شود. به هر میزان که شکاف

اقتصادی افزایش می‌یابد، زمینه برای واکنش گروه‌های افراطی اجتماعی به‌وجود خواهد آمد. این امر بیان‌گر آن است که توسعه اقتصادی منجر به انتظارات جدید گردیده و در نهایت، بحران دولت - جامعه را افزایش خواهد داد. این موضوع به عنوان تناقض در توسعه تلقی گردیده و زمینه را برای افزایش تضادهای درون‌ساختاری فراهم می‌آورد. روند یاد شده، تضاد دولت و نیروهای سیاسی در ایران را افزایش داد و به ظهور انقلاب اسلامی انجامید. موج دوم برنامه‌های توسعه اقتصادی در ایران، در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت. این روند را که می‌توان بازتاب نیازهای جدید جامعه ایران دانست، افزایش محدودیت‌های قابل توجهی را برای اقتصاد و ساختار سیاسی ایران به‌وجود آورد. در چنین شرایطی بود که برنامه‌های توسعه اقتصادی به منزله نمادی از علم‌گرایی در جامعه ایران تلقی گردید و به اجرای سیاست‌هایی انجامید که بستر لازم برای افزایش تولید اقتصادی را فراهم می‌ساخت. این امر بازتاب مربوط به خود را در عرصه سیاسی ایجاد نمود و در نتیجه فضای لازم برای حداکثرسازی انتظارات سیاسی و اجتماعی ایران به‌وجود آمد.

به موازات فرآیند یاد شده می‌توان جلوه‌هایی از تحرک گروه‌های سیاسی نوظهور و همچنین انتظارات تأمین نشده گروه‌های عمومی جامعه را مورد ملاحظه قرار داد. در این روند، شکل جدیدی از مطالبات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ظهور یافت. مفاهیم اساسی جدید به مثابه نمادی از اعتراض سیاسی نسبت به ساختار قدرت و نتایج حاصل از اجرای برنامه‌های توسعه تلقی می‌شد. انتظارات جدید را می‌توان ناشی از عدم تطابق برنامه‌های اقتصادی با ساختار قدرت سیاسی در ایران دانست. به‌طور کلی رشد اقتصادی منجر به افزایش انتظارات عمومی گروه‌های سیاسی و اجتماعی گردید. از سوی دیگر

ایران بر مشارکت سیاسی (انتخابات)، نهادهای (تحرز) و ثبات سیاسی است و با توجه به مطالب بالا می‌توان سؤالات را این گونه مطرح نمود:

– مجموع سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران با ملاحظه سطوح مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی چه تأثیری بر مشارکت سیاسی و ثبات سیاسی بر جای گذاشته است؟

→

اقتصادی – اجتماعی در افق زمانی مزبور را برای راهبردی و حرکت کشور به سمت چشم انداز تعیین می‌نماید (علینقی مشایخی و...، اصلاح ساختار نظام تصمیم‌گیری اقتصادی کشور، ص ۳۴).

۱. برنامه، معنای عمومی این کلمه نقشه، تصور یا تجسم طرحی از چیزی است که باید ساخته شود یا اجرا گردد. و یا عبارت است از مجموعه اوضاع و احوالی که برای اجرای طرحی آماده باشد یا باید بشود. این اصطلاح در علم اقتصاد، ابتدا مجموعه‌ای از هدف‌های خاص را نشان می‌دهد که عناصر مختلف آن با همدیگر هماهنگی داشته و افزون بر آن، وسایلی را که برای اجرا و رسیدن به آن هدف‌ها ضروری است، داشته باشد. هدف نقشه، سازمان دادن وسایل است تا به گونه‌ای عقلایی و یا صرف نتیجه مطلوب به دست آید (توماس سووه، فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی، ص ۲۸۹).

برنامه‌ریزی، به منزله وسیله‌ای برای بهره‌گیری از تمام منابع و نهادهای موجود و هماهنگ کردن وظایف گوناگونی به شمار می‌رود که برای رسیدن به هدف‌های کلی و کتی تعیین شده و در نتیجه، دست‌یابی به توسعه اقتصادی انجام می‌گیرد (سازمان ملل متحد، بخش همیاری فنی برای توسعه، رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی توسعه: رویه‌ها، روش‌ها و فنون، ص ۱۹۷). برنامه‌ریزی توسعه: فرایند در هم پیچیده‌ای است که شامل گردآوری اطلاعات، جمع و جور شمردن وسایل و حل آنهاست؛ البته با این شرط که ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را پیش چشم داشته باشیم (همان). برنامه‌های پنج ساله توسعه که در قبل و بعد از انقلاب اسلامی تدوین شده‌اند، از نوع برنامه‌های عملیاتی میان مدت هستند. این برنامه‌ها، هدف‌ها، سیاست‌ها و عملیات اجرایی را برای یک دوره پنج‌ساله تعیین می‌کند. در برنامه‌های عملیاتی میان مدت، منابع دولت به برنامه‌ها و عملیات خاص تخصیص داده می‌شود و سیاست‌های اقتصادی – اجتماعی ارشادی برای هدایت منابع غیر دولتی در جهت عملیاتی شمردن استراتژی‌ها تنظیم می‌شود. (علینقی مشایخی، اصلاح ساختار نظام تصمیم‌گیری اقتصاد کشور، ص ۳۴).

عدم قابلیت و توانایی ساخت‌های سیاسی حکومت به منظور تأمین نیازهای جامعه، جلوه‌هایی از بی‌اعتمادی و سرخوردگی و ناهنجاری را به وجود آورد. روندهای یاد شده نشان می‌دهد که رشد اقتصادی رابطه مستقیمی با تضادهای سیاسی دارد. این امر توسط بسیاری از نظریه‌پردازان، از جمله هانتینگتون مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. وی بحران‌های سیاسی را بر اساس پویایی‌های ساختار اقتصادی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. او بین توسعه اقتصادی و افزایش ناپایداری سیاسی در کشورهای مختلف رابطه مستقیم برقرار می‌کند. توکوویل نیز بر این باور است که توسعه اقتصادی به جای آنکه منجر به افزایش ثبات سیاسی گردد، ایجادکننده جلوه‌هایی از ناپایداری و بی‌ثباتی سیاسی خواهد بود، زیرا هر پدیده و فرایند ساختاری دارای نتایج مربوط به خود می‌باشد. استوفر و هانتینگتون فرآیندهای تغییر در ساختار سیاسی را مورد پی‌گیری قرار داده و در نهایت به این جمع‌بندی رسیدند که همبستگی آشکاری میان رشد شتابان اقتصادی و ناپایداری سیاسی وجود دارد. آنان انسجام سیاسی را ناشی از فرآیندهای تغییر مرحله‌ای و تدریجی می‌دانند. کشورهای همانند ایران، که دارای ساخت‌های توده‌گرا می‌باشند، با بحران‌های پیش‌بینی نشده رو به‌رو می‌شوند.

به‌طور کلی آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، تأثیر جمعی و اعمال سیاست‌های کلی^۱ و برنامه‌های توسعه^۱ اول تا چهارم جمهوری اسلامی

۱. به مجموعه تصمیمات چشم‌انداز و استراتژی سیاست‌های کلی گفته می‌شود. چشم‌انداز، وضعیت مطلوب کشور را در طی ده الی بیست سال آینده ترسیم می‌کند. یک چشم‌انداز روشن و واضح، نقطه مطلوبی را معلوم می‌کند که استراتژی‌ها باید برای رسیدن به آن طراحی و تدوین شوند. چشم‌انداز چارچوبی را برای طراحی استراتژی مشخص می‌نماید. استراتژی یا تصمیم راهبردی چگونگی حرکت کلی و کلان کشور را برای تحقق چشم‌انداز تعیین می‌کند. تصمیمات استراتژیک برای یک افق ده تا بیست ساله تنظیم می‌شود و حرکات عمده

←

– تغییراتی که بر اثر سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای ج.ا.ا. در شاخص‌های اقتصادی به وجود آمده، چه تأثیری بر «گسترش مشارکت سیاسی» داشته است؟

– تغییراتی که در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای ج.ا.ا. در موارد فوق به وجود آورده، چه تأثیری بر «نهادمندی و جذب و تقاضاهای مشارکت‌طلبی شهروندان» داشته است؟

– تغییراتی که در اثر سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای ج.ا.ا. در خصوص شاخص‌های مذکور به وجود آمده، چه تأثیری بر «ثبات سیاسی» داشته است؟

فرضیه پژوهش

– سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران با ایجاد تغییر در شاخص‌های درآمد، تحصیلات، شغل، تحرک جمعیت، سیاست‌های جمعیتی، عضویت سازمانی و طبقات اجتماعی کشور موجب افزایش مشارکت‌طلبی از یک سو و فقدان نهادمندی سیاسی (تحزب) و دخالت عوامل شتاب‌زا باعث گسترش بی‌ثباتی سیاسی از طرف دیگر شده‌اند.

پیشینه تحقیق

با مروری بر ادبیات اندیشمندان اقتصادی ایران در دو دهه اخیر و با توجه به تقسیم‌بندی‌های مرسوم در کتاب‌های تاریخ عقاید اقتصادی، چند جریان عمده و صاحب سبک را می‌توان در ایران مورد شناسایی و در هر یک از جریان‌ها، برجسته‌ترین متن یا متون اصلی را به منزله شاخص جریان بیان کرد:

الف: جریان اتریشی اقتصاد بازار

مکتب اتریش با اندیشمندانی چون کارل منگر، فون هایک و... مرتبط است. این مکتب، بازار را کارآمدترین ابزار تخصیص و هماهنگی اقتصاد می‌داند و بر تأثیرات تحرک‌آفرین رقابت و نوآوری در بازار تأکید دارد. اصل محوری این جریان اعتقاد به بهینه بودن نظام آزاد و رقابت اقتصادی و نقش بسیار حداقلی برای دولت در سیاست داخلی و تجارت خارجی است. درباره سلطه دیدگاه فوق در ایران، این جریان پس از حدود یک دهه تجربه در حکومت پهلوی، پس از دوران جنگ تحمیلی و از آغاز برنامه‌های توسعه به صورت فعال در سطوح دانشگاهی و سیاست‌گذاری در صحنه اقتصاد ایران مطرح شد.

الف) از مهم‌ترین آثار این جریان، «آزادیخواهی نافرجام و تجدد طلبی و توسعه در ایران معاصر» تألیف موسی غنی‌نژاد می‌باشد. او در این کتاب بیان می‌کند که: «نگرش و رویکرد انسان مدرن در درجه اول به مفهوم خود انسان بر می‌گردد. در اندیشه مدرن، مفاهیمی که نزد قدما بسیار کمرنگ بود مورد تأکید قرار می‌گیرد. بدین ترتیب اندیشه سیاسی مدرن معتقد به ارزش‌های فردگرایانه مانند حق حیات، آزادی و مالکیت فردی است. مهم‌ترین نکته‌ای که غنی‌نژاد در عین ادعاهای قوی مخالفان بر آن پای می‌فشارد، هم جهت بودن نفع شخصی با منافع اجتماعی است. او بیان می‌کند که این نگرش به معنای رها کردن منافع و مصالح جمعی و از دست دادن انسجام اجتماعی نیست. بلکه تأکیدی است بر این‌که اگر راهی برای تأمین منافع و مصالح جامعه وجود داشته باشد از طریق قبول و تقویت حقوق فردی انسان‌هاست و وجود هر مرجع ایدئولوژیک برای تعیین مصالح اقتصادی یا حتی دموکراسی